

جوان و رسالت خانواده - 1

<?xml encoding="UTF-8?">

«هفده ساله هستم. گاهی در خودم احساس حقارت می کنم و خود را موفق نمی بینم زیرا پدر و مادرم با من همچون کودکان برخورد می کنند و به نظراتم اهمیت نمی دهند و نیازهای روانی و عاطفی مرا که هر جوان نیازمند توجه اطرافیان به آنهاست، درک نمی کنند. آرزو دارم لحظه ای را در کنار آنها بنشینم و درد دل کنم و با هم بگویم و بخندیم! در مدرسه، شیفته نصیحت‌های مربیان تربیتی م شوم و خود را امیدوار می یابم اما به محض ورود به خانه و مشاهده شیوه های رفتاری تند و خشن پدر و مادرم با خودشان و با من، همه آن امیدها نقش بر آب می شود. از شما می خواهم تا مرا دریابید و راهنمایی کنید.»

این زبانهال جمع زیادی از نوجوانان و جوانانی است که گرفتار عدم آگاهی کافی والدین خویش نسبت به مسایل تربیتی و اهمیت این وظیفه، می باشند.

از این رو بر آن شدیم تا ضمن پاسخگویی و راهنمایی این جوان و تذکرات تربیتی به والدین، به نیازهای عاطفی و روانی جوانان اشاره کنیم تا والدین و مربیان با شناختی کامل و رفتاری حساب شده به پرورش روحی جوانان نشان اقدام کنند.

با پایین یافتن دوران کودکی و آغاز بلوغ، دوران جوانی که ارزنده ترین ایام عمر آدمی است شروع می شود و جوان را با مشکلات و نیازهای روانی جدید همچون احساس شخصیت، نیاز به مذهب، استقلال طلبی و بحرانهای روحی دیگر مواجه کرده و او را دچار سردرگمی می کند. بزرگترین مشکل تربیت جوانان هدایت صحیح و علمی احساسات آنهاست. از این رو بسیاری از پدران و مادرانی که منشأ تمام مشکلات تربیتی جوانان نشان را، مدرسه، دوستان و محیط می دانند و خود را از هر عیب و ایرادی مبرا می بینند، در اشتباه بزرگی به سر می برند. اینان سر در لاک خود فرو برده و از سوء رفتار و گفتار در مقابل جوانان نشان غافلند.

«بدون تردید چگونگی تربیتهای دوران طفولیت از پایه های آدمی در سنین جوانی است. کودکانی که والدین دانا داشته و در محیط خانواده به خوبی پرورش یافته اند، در جوانی خیلی زود خود را با جامعه تطبیق می دهند و به کسب شخصیت نایل می شوند. برعکس کسانی که در کودکی از تربیت صحیح محروم بوده و بر اثر نادانی والدین و محیط فاسد خانواده، بد بار آمده اند در جوانی قادر نیستند به خوبی با مردم بیامیزند و به درستی، وظایف اجتماعی خود را انجام دهند.» (1)

مربی لایق کسی است که بتواند با برنامه ها و شیوه های دقیق و حساب شده تمایلات عاطفی جوانان را تعدیل و تنظیم نماید؛ از طرفی احساسات آنان را به نحو شایسته ای ارضا کند و از طرف دیگر مانع طغیان آنها شود. در خانواده هایی که پدر با همدمی و همنشینی با جوانانش و مادر با محبت به فرزندان و تفاهم با پدر خانواده در مورد تربیت فرزندان، به آنها دلگرمی و امید بخشند، از نظرات آنها در اداره امور زندگی و امور خانه استفاده کنند و در تقویت اراده و ایمان و دورانیشی آنها بکوشند، خدمت بزرگی به فرزندان نشان کرده اند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید:

«أَوْصِيكُمْ بِالسَّبَاتِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفِيدَةً».

«سفارش می کنم که به جوانان نیکی کنید زیرا آنها نازک دل هستند و زود رنجیده خاطر می شوند.»

عمل به سفارش پیامبر این گونه است که به نیازمندیهای مشروع آنها پاسخ گوئیم و روح آنها را سیراب سازیم؛ طبیعی است که مقدمه تأمین نیازمندیهای جوانان، شناخت روحیات و نیازهای آنهاست. «بیشتر انحرافات جوانان که سرانجام منجر به تیره روزی و سقوط آنان می شود، از دو منشأ سرچشمه می گیرد: یا برای آن است که پاره ای از تمایلات فطری مورد توجه قرار نگرفته و عملاً سرکوب شده اند و یا برای آن است که جوانان در ارضاء بعضی از تمایلات، دچار تندروی و افراط شده اند.» (2)

احترام به شخصیت جوان

یکی از نیازهای روحی جوانان بیدار شدن حس شخصیت و علاقه به حفظ آن است. جوان احترام به خود را دوست دارد و آن را نشانه توجه جامعه به خود می داند و از آن لذت می برد، او دوست دارد که در حضور هم سن و سالانش مورد احترام و اکرام باشد، و در شورای خانواده به حساب آورده شود. جوانی که از نظراتش در کارهای خانه استفاده شود، و به حرفهایش توجه شود، و پدر و مادرش با وی، مانند یک دوست صمیمی رفتار کنند و همواره احترامش کنند، کوشش می کند تا خود را از آلودگیها به دور سازد و اعمالی که مقام و ارزش او را پایین می آورد، اجتناب کند.

امام صادق (ع) می فرماید:

عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَأَنْتَهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (3)

«بر تو باد که به جوانان توجه داشته باشی، زیرا آنان در امور خیر از دیگران پیش قدم ترند.»

زمانی که پیامبر (ص) در مکه ظهور کرد و سالتش را بر مردم ابلاغ کرد، بیشترین گروندگان به او جوانان بودند که با روح لطیف خود و شجاعت و آمادگی و با عشق و علاقه زیاد اطراف پیامبر را گرفتند و به دستوراتش عمل نمودند. و این امر باعث خشم بزرگان قریش شد. پیامبر بسیاری از کارهای خود را توسط همین نیروی جوان انجام می داد و آنها را با روشهای متناسب و متنوع به راه و هدفشان دلگرم می ساخت و از نظراتشان استفاده می کرد.

برعکس جوانی که مورد احترام پدر و مادرش نباشد و کارهایش به مسخره گرفته شود و مرتب مورد انتقاد آنها قرار گیرد و به خاطر اشتباهی جزئی، سرزنش و ملامت شود و هر روز با سختگیریها و خشونتهای بی مورد و نیز تحقیر پدر و مادرش مواجه شود، در ضمیر خود احساس حقارت و پستی می کند و همواره از این حالت روانی خود رنج می برد و سرانجام به ناهنجاری و ناسازگاری روی می آورد.

امام هادث (ع) ریشه شرارتها و ناهنجاریها را عقده حقارت می داند و می فرماید:

«مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ». (4)

کسی که خود را خوار و حقیر می داند، از شر او ایمنی نداشته باش.

انسانهای عقده ای و شرور برای تأمین نیازمندیهای روحی ارضا نشده خویش و جلب توجه اطرافیان، به اعمال ناشایست دست می زنند و خود را مخالف مقررات آداب و رسوم اجتماعی و عرفی جامعه معرفی می کنند.

محبت، نه خشونت

جوان همانند شاخه گلی است که به مراقبت و توجه کافی و دایمی نیازمند است، او علاوه بر تغذیه مناسب

جسمی، به تغذیه مناسب روحی هم نیاز دارد. شیوه های برخورد اطرافیان در مواقع بروز خطا و لغزش باید به گونه ای باشد تا او را در رفتار خلافتش جسور نکند.

پدران و مادران باید بدانند که وضع آشفته روحی جوان یک پدیده ای طبیعی است و چون می خواهد خود را از دوران کودکی خارج کرده و به دنیای جوانی قدم گذارد دچار بحرانهای روحی شدید می شود و بناچار از روی جهالت و ندانم کاری، خطاهایی از او سر می زند؛ آنها باید با صبر و ظرافت و درایت اشکالات آنها را نادیده گرفته و به طور ماهرانه ای مرتفع نمایند، از این رو امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید:

جَهْلُ الشَّبَابِ مَعذُورٌ» (5)

«عذر نادانی جوان پذیرفته است.»

به همین جهت پدران و مادران باید تذکرات تربیتی خود را به گونه ای مطرح کنند که موجب هتک حرمت جوانان نشود، لذا بهترین شکل تربیت و تنبیه آنها استفاده از جملات و الفاظ کنایه و اشاره است که قهرا اثری به سزا خواهد داشت.

علی (ع) می فرماید:

«تَلْوِيحُ زَلَّةِ الْعَاقِلِ لَهُ أَمْضُ مِنْ عِتَابِهِ» (6)

لغزش فرد عاقل را با کنایه تذکر دادن برای او مؤثرتر از سرزنش و توبیخ صریح است.

متأسفانه بعضی از پدران و مادران، به قصد اصلاح جوانان خود، سخنان ملامت آمیز خود را تکرار می کنند و آنها را پیوسته در تنهایی و آشکارا مورد توبیخ و سرزنش قرار می دهند، غافل از اینکه تکرار سرزنش اثری معکوس دارد. باز علی (ع) می فرماید:

«الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُثُ نِيرَانَ الْجَاكِ» (7)

زیاده روی در ملامت، آتش عناد و لجاجت را مشتغل می کند.

بهترین روشهای بیان مطالب و تذکرات تربیتی استفاده از جملات، الفاظ و قالبهای عاطفی و مؤدبانه است. (8) جوان اگر بفهمد که نصایح پدر و مادرش بر اساس دلسوزی و آینده نگری است، تسلیم می شود و اگر احساس کند که ناشی از خودخواهی، غرور و استبداد آنهاست، طغیان می کند و در مقابل آنها واکنش نشان می دهد. در پایان بحث به روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره می کنیم که می فرماید:

«وَلَدُكَ رِيحَانَتِكَ سَبْعًا وَ خُلُوتُكَ سَبْعًا ثُمَّ هُوَ عِدْوُكَ أَوْ صَدِيقُكَ» (9)

«فرزند تو تا هفت سال دسته گلی است که در اختیار دوست و در هفت سال دوم زندگی، خدمتکار و مطیع دوست و سپس (در دوره جوانی) دشمن و یا دوست دوست دوست.»

روشن است که شیوه های برخوردی و تربیتی والدین و مربیان آموزشگاه در دوره کودکی و نوجوانی زمینه ساز دوران جوانی است. پدر یا مادری که بر اساس ضوابط و روشهای صحیح با جوانش برخورد کند و او را احترام نماید، فرزندش دوست و رفیق او خواهد بود و برعکس اگر از شیوه های غلط استفاده کند و به خواسته های مشروع جوانش توجه نکند از او برای خود دشمنی کینه توز ساخته است.

پی نوشت ها :

2- جوان، فلسفی، ج 1، ص 334

3- وسایل الشیعه، ج 11، ص 448، ح 1

4- تحف العقول، مترجم، ص 512

5- غررالحکم، ص 372

6- غررالحکم، ص 348

7- بحارالانوار، ج 23، ص 114

8- همان گونه که لقمان پیامبر در توصیه فرزندش به کارهای خیر همچون نماز، امر به معروف و نهی از منکر، از کلمه «یا بُنَّیَّ، ای پسرکم) استفاده می کند. (سوره لقمان آیه 16).

9- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 20، ص 343